

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پرسش و پاسخ های

# امور حسبی

گروه پژوهشی  
انتشارات چراغ دانش



عنوان و نام پدیدآور	:	پرسش و پاسخ‌های امور حسیبی /
مشخصات نشر	:	گروه پژوهشی انتشارات چراغ دانش.
مشخصات ظاهري	:	تهران : چراغ دانش ، ۱۳۹۷
شابک	:	۳۱۶ ص؛ ۵/۲۱ × ۵/۱۴ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	:	۹۷۸ ۴۰۰ ۴۴۳ ۲۱۸ ۴
موضوع	:	فیبا
موضوع	:	امور حسیبی — ایران
موضوع	:	Probate law and practice -- Iran
موضوع	:	امور حسیبی — ایران -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
شناسه افزوده	:	Probate law and practice -- Iran Questions and answers
ردی بندی کنگره	:	انتشارات چراغ دانش
ردی بندی دیوبی	:	۱۳۹۷ KMН ۴۸۳۰ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۴۶/۵۵۰۰۵۲
	:	۵۲۲۴۰۸۷

### شناسنامه

عنوان کتاب: پرسش و پاسخ‌های امور حسیبی

مؤلف: گروه پژوهشی

ناشر: انتشارات چراغ دانش

ناظر چاپ: رسول زینالی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۷

قطع و تیراز: رقعی / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۳-۲۱۸-۴

### کد کتاب: ۳۲۲

[www.cheraghdanesh.com](http://www.cheraghdanesh.com)

دفتر مرکزی: تهران، میدان هفت تیر، ورودی مدرس، کوچه مازندرانی

پلاک ۴، طبقه ۳ و ۶ واحد ۷ و ۱۴

تلفن پخش و فروش: ۰۲۱ ۸۸۳۲۷۲۵۱ - ۸۸۸۴۴۹۱۶

حق چاپ برای انتشارات چراغ دانش محفوظ است. هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فال الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز کتبی از ناشر خلاف قانون بوده و بیگرد قانونی دارد.

## فهرست کلی

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: پرسش و پاسخ های اثبات نسب
۳۳.....	فصل دوم: پرسش و پاسخ های حجر
۹۱.....	فصل سوم: پرسش و پاسخ های وقف
۱۴۳.....	فصل چهارم: پرسش و پاسخ های تقسیم ترکه
۲۲۳.....	فصل پنجم: قوانین و مقررات امور حسبی

## فهرست جزئی

۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: پرسش و پاسخ های اثبات نسب
۱۵.....	مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ
۱۵.....	۱. اثبات نسب به وسیله شهادت شهود و یا اقرار
۱۶.....	۲. مرجع تجدیدنظر آرای صادره مربوط به اصل نکاح، طلاق، نسب و حجر
۱۷.....	۳. عدم امکان وکالت کارآموزان وکالت در دعواهای اثبات نسب
۱۸.....	۴. تقدیم دادخواست نفی نسب از سوی ورثه
۲۱.....	۵. اثبات نسب با توصل بر استناد رسمی
۲۳.....	۶. تکلیف پدر به پرداخت نفقة ولدالزنایی که حکم اثبات نسب وی صادر شده
۲۴.....	۷. صدور گواهی حصر وراثت جدید بعد از اعلام وراث واقعی متوفی
۲۶.....	۸. طرح دعواهای نفی نسب فرزندخوانده و اعتراض بر گواهی حصر وراثت
۲۸.....	مبحث دوم: نظریات مشورتی در قالب پرسش و پاسخ
۲۸.....	۱. طرح دعواهای اثبات نسب از جانب مادر
۲۸.....	۲. طرح دعواهای اثبات نسب خواهان با ادعاهای وارث بودن فرد مجھول الوارث یا
۲۹.....	۳. مالی یا غیرمالی بودن دعواهای اثبات نسب
۳۰.....	۴. اختلاف در مندرجات شناسنامه و اختلاف در نسب و مرجع صالح به رسیدگی

۵. رسیدگی به ادعای نفی ولد (اثبات نسب)	۳۱
<b>فصل دوم: پرسش و پاسخ های حجر</b>	<b>۳۳</b>
مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ	۳۵
۱. تعیین قیم برای محجور دارای ولی قهری	۳۵
۲. تقاضای رفع حجر از شخصی که محجور نیست.	۳۶
۳. دادگاه صالح برای صدور حکم حجر	۳۷
۴. مرجع تجدیدنظر از آرای صادره مربوط به اصل نکاح، طلاق، نسب و حجر	۳۷
۵. ممنوعیت دخالت کارآموزان وکالت در دعاوی حجر، نسب و طلاق قبل از اخذ	۳۸
۶. تکلیف دادگاه در صورت محجور بودن خوانده دعوا	۳۹
۷. طرح دعوا به طرفیت خوانده فاقد اهلیت	۴۱
۸. تأثیر جنون ادواری یکی از متعاملین در معامله	۴۳
۹. اثر حجر بعدی موصی در صحت یا بطلان وصیت	۴۴
۱۰. فسخ نکاح قبل از صدور حکم حجر	۴۵
۱۱. حجر ولی و سقوط حق حضانت	۴۷
۱۲. رفع حکم حجر محجور با نظر قطعی و بدون قید و شرط پزشکی قانونی	۴۹
۱۳. محجوریت مجنون ادواری	۵۰
۱۴. اختیارات و وظایف و مسؤولیت قیم محجور و حدود آن	۵۱
۱۵. مطالبه اجرت زمان قیوموت محجور	۵۳
۱۶. اختیار قیم محجور در توافق با محاکوم علیه درخصوص تأخیر در دریافت دیه	۵۵
۱۷. حدود اختیار قیم در قصاص، دیه و عفو در صورتی که قیم همسر مقتول باشد	۵۷
۱۸. فروش مال غیرمنقول محجور	۵۹
۱۹. دعوای رشد به طرفیت مدعی العموم	۶۲
۲۰. اعلام حکم حجر اشخاص به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	۶۳
۲۱. تأثیر اثبات اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین قبل از صدور حکم حجر یا بعد از رفع حجر	۶۴
۲۲. تجدیدنظر خواهی از حکم حجر	۶۵
۲۳. حق درخواست صدور حکم حجر متوفا نسبت به تاریخ قبل از فوت	۶۶

۶۸	۲۴. حکم به فسخ نکاح قبل از صدور حکم حجر .....
۶۹	۲۵. آثار مترتب بر حجر و توقف ورشکسته .....
۷۱	مبحث دوم: نظریات مشورتی در قالب پرسش و پاسخ.....
۷۱	۱. خارج شدن از تحت قیمومت با رسیدن به سن ۱۸ سال .....
۷۲	۲. فوت یا حجر خواهان پیش از ابلاغ اخطاریه رفع نقص .....
۷۳	۳. عدم تعلق مستمری به وراث محجور .....
۷۴	۴. دادگاه صالح برای صدور حکم حجر و رفع حجر، تعیین قیم و لغو قیم .....
۷۵	۵. مرجع رسیدگی به دعوای حجر و تعیین امین موقت .....
۷۶	۶. رشید بودن شخص قبل از قطعی شدن حکم حجر .....
۷۷	۷. اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم فجر .....
۷۷	۸. تعیین امین بر مريض عاجز از اداره امور خود .....
۷۹	۹. توقف دادرسی با فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوا .....
۸۱	۱۰. صدور حکم حجر شخص جنون یا سفه .....
۸۲	۱۱. غیر نافذ بودن معامله با محجورین .....
۸۳	۱۲. محجوریت یکی از امضاكننده سازش نامه و احراق حق از وی .....
۸۳	۱۳. دعوای رشد یا رفع حجر از امور حسبی است .....
۸۴	۱۴. رعایت قانون امور حسبی در دعوای رشد یا رفع حجر .....
۸۴	۱۵. صدور حکم حجر .....
۸۵	۱۶. ابطال معاملات پس از صدور حکم حجر .....
۸۵	۱۷. معامله محجور در ملک غیر منقول بدون اطلاع قیم .....
۸۶	۱۸. مرجع رسیدگی به درخواست حجر .....
۸۶	۱۹. دادگاه صلاح در تعیین و عزل قیم .....
۸۷	۲۰. ترتیب نصب قیم برای ایرانیان محجور مقیم خارج از کشور .....
۸۸	۲۱. دخالت قیم در خصوص اسناد سجلی مولی علیه .....
۸۹	۲۲. عدم نصب امین به درخواست کسان و بستگان .....
۹۰	۲۳. اقدام در خصوص مجانین بی آزار .....
۹۱	<b>فصل سوم: پرسش و پاسخ های وقف .....</b>

۹۳	مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ.....
۹۳	۱. اجاره مال وقف شده .....
۹۴	۲. وقف تلفن .....
۹۵	۳. تقسیم ملک وقف شده .....
۹۶	۴. استماع دعوای ابطال سند مالکیت .....
۹۷	۵. مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوى وقف .....
۹۹	۶. مصاديق دعاوى حقوقى که کارآموزان وکالت قبل از اخذ پروانه، ممنوع از دخالت در آنها هستند.....
۱۰۰	۷. بحث و بررسی درخصوص بند (۷) ماده ۸۴ قانون آینین دادرسی مدنی .....
۱۰۱	۸. طرح دعاوى فاقد اثر قانونی .....
۱۰۲	۹. تعیین تکلیف در صورت رد دعواى اداره اوقاف در وقف خاص به لحاظ نداشتن سمت .....
۱۰۴	۱۰. تعیین متولی در وقف عام .....
۱۰۵	۱۱. خرایی عین موقوفه .....
۱۰۷	۱۲. وقف مراتع و جنگل‌ها .....
۱۰۹	۱۳. اختار به مستأجرین موقوفه .....
۱۱۲	۱۴. موقوفه بودن زمین قبل از اعلام آن به عنوان منابع طبیعی و ملی .....
۱۱۴	۱۵. انتقال اموال موقوفه .....
۱۱۵	۱۶. داخل بودن اعیانی احداشی در وقف به لحاظ تجدید بنا و جلوگیری از خرابی .....
۱۱۷	۱۷. تعیین حد مرز بین وقف و وصیت .....
۱۱۸	۱۸. احداث بنا در ملک موقوفه .....
۱۱۹	۱۹. فروش یا واگذاری مال موقوفه به صورت اجاره .....
۱۲۱	۲۰. اجازه تقدیم دادخواست تخلیه از سوی مالک عرصه .....
۱۲۲	۲۱. دادخواست تخلیه ملک موقوفه .....
۱۲۵	۲۲. اجازه متولی وقف به ساخت در زمین موقوفه توسط مستأجر .....
۱۲۷	۲۳. اعلام موقوفه بودن قسمتی از ملک در جریان اجرای حکم .....
۱۳۰	مبحث دوم: نظریات مشورتی در قالب پرسش و پاسخ.....

۱. هزینه دادرسی در دعاوی ادارات دولتی و دعاوی اوقافی .....	۱۳۰
۲. هزینه دادرسی در دعاوی اداره اوقاف .....	۱۳۲
۳. تأثیر حکم مصادره اموال در موقوفه و تولیت وقف .....	۱۳۴
۴. اثبات وقف بودن .....	۱۳۵
۵. رفع تجاوز و جبران خسارات در املاک وقفی .....	۱۳۶
۶. طرح دعوای خلعید مستأجر مال وقفی .....	۱۳۷
۷. دعوای وقفیت ملک ثبت شده که مالکش فوت شده .....	۱۳۷
۸. غیر قابل فرجام بودن دعاوی اماكن موقوفه .....	۱۳۸
۹. توقيف ملک موقوفه .....	۱۳۹
۱۰. صلاحیت رسیدگی به دعاوی وقف .....	۱۴۰
۱۱. تقاضای ابطال وقعنامه .....	۱۴۱
<b>فصل چهارم: پرسش و پاسخ های تقسیم ترکه .....</b>	<b>۱۴۳</b>
مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ .....	۱۴۵
۱. مسائلی در رابطه با رسیدگی به دعوای تقسیم ترکه .....	۱۴۵
۲. قابلیت استماع دعوایی که اموال بیشتر از گواهی حصر وراثت تقویم شود .....	۱۶۶
۳. اثبات ادعای وراثت افراد دیگر و تقاضای ابطال تقسیم .....	۱۶۷
۴. امکان تلقی استشهادیه محلی به جای گواهی حصر وراثت .....	۱۶۹
۵. اعتراض به گزارش اصلاحی مبنی بر تقسیم ترکه .....	۱۷۰
۶. تقسیم و تحریر ترکه .....	۱۷۲
۷. صدور گزارش اصلاحی در تقسیم ترکه .....	۱۷۳
۸. مرجع صالح به رسیدگی به تقسیم ترکه .....	۱۷۵
۹. کیفیت رسیدگی در تقسیم ترکهای که نسبت به جزئی از آن بین وراث در مالکیت اختلاف حادث شود .....	۱۷۷
۱۰. تعیین خوانده در دادخواست تقسیم ترکه .....	۱۷۸
۱۱. دعوای تقسیم ترکه نسبت به بیش از میزان ترکه .....	۱۸۰
۱۲. انتقال قسمتی از اموال مورد وصیت به شخص ثالث .....	۱۸۱
۱۳. تقسیم ماترک یک خانواده در صورت عدم تعیین تقدم و تأخیر زمان فوت .....	۱۸۳

۱۴. وجوه اختلاف بین ورثه در خصوص تصرفات ترکه و استیفای حقوق خود.....	۱۸۵
۱۵. اثر حقوقی عدم قید نام احد از ورثه در گواهی انحصار وراثت.....	۱۸۸
۱۶. تقسیم اموال غیرمنقول ماترک که جریان ثبتی آن خاتمه نیافته.....	۱۸۹
۱۷. رسیدگی به دعاوی مربوط به ماترک غیرمنقول.....	۱۹۰
۱۸. ادعای مالکیت نسبت به ماترک در جریان تقسیم ترکه.....	۱۹۳
۱۹. تکلیف دادرس در خصوص وصیتنامه ابرازی در دعوای تقسیم ترکه.....	۱۹۴
۲۰. حکم تقسیم ترکه و تعیین سهم هریک از وراث.....	۱۹۶
۲۱. جنبه اعلامی تقسیم ترکه.....	۱۹۷
۱۹۹. مبحث دوم: نظریات مشورتی در قالب پرسش و پاسخ.....	۱۹۹
۱. هزینه دادرسی تقسیم ترکه.....	۱۹۹
۲. دعوای تقسیم ترکه غیرمالی است.....	۱۹۹
۳. تعیین نسبت سهم‌الارث در گواهی.....	۱۹۹
۴. دادگاه صالح در تقسیم ترکه.....	۲۰۰
۵. تعیین امین بر غایب جهت تقسیم ترکه.....	۲۰۱
۶. دادخواست تقسیم ترکه.....	۲۰۲
۷. رسیدگی به دعوای متقابل.....	۲۰۳
۸. تقدیم دادخواست جداگانه در دعوای تقسیم ترکه.....	۲۰۴
۹. عدم قابلیت تقسیم ملکت موقوفه بین وراث.....	۲۰۵
۱۰. تقسیم ترکه در صورت تعدد زوجات.....	۲۰۵
۱۱. تقسیم ترکه و ادعای مدیون بودن مورث.....	۲۰۶
۱۲. سهم‌الارث و تقسیم ترکه.....	۲۰۶
۱۳. تقسیم ترکه و ادعای مالکیت.....	۲۰۷
۱۴. هزینه دادرسی در تقسیم ترکه.....	۲۰۸
۱۵. دادگاه صالح در رسیدگی به دعاوی افزار املاک مشاع.....	۲۰۸
۱۶. دادگاه صالح به رسیدگی به تقسیم ترکه در فرض تغییر اقامتگاه.....	۲۰۹
۱۷. گواهی حصر وراثت.....	۲۱۰
۱۸. تقسیم ترکه و ادعای مالکیت.....	۲۱۱

۲۱۱.....	۱۹. دعوی تقسیم ترکه
۲۱۲.....	۲۰. تقسیم ترکه غیرمنقول
۲۱۳.....	۲۱. مسائلی در باب هزینه دادرسی در تقسیم ترکه
۲۱۶.....	۲۲. مطالبه سهم الارث
۲۱۶.....	۲۳. خوانده دعوای تقسیم ترکه
۲۱۷.....	۲۴. مرجع صالح به رسیدگی به دعوای ترکه منقول و غیرمنقول
۲۱۸.....	۲۵. درخواست تقسیم ترکه
۲۱۸.....	۲۶. درخواست تقسیم اموال غیرمنقول
۲۱۹.....	۲۷. تقسیم ترکه اهل سنت
۲۲۰.....	۲۸. تعیین نسبت سهم الارث در گواهی
۲۲۱.....	۲۹. تقسیم ترکه بازداشت شده
۲۲۲.....	۳۰. فروش اموال صغیر قبل از تقسیم ترکه
۲۲۳.....	<b>فصل پنجم: قوانین و مقررات امور حسابی</b>
۲۲۵.....	قانون امور حسابی مصوب ۱۳۱۹



## مقدمه

معمولًاً رویه عملی دادگاهها در استنباط از قوانین و مقررات در جهت انطباق با مصاديق واقعی تا حدودی با آنچه در کلاس‌های تئوریک دانشگاه‌ها به دانشجویان حقوق آموزش داده می‌شود، متفاوت است البته روند آموزشی و طریق ارائه مطالب در کلاس‌های درسی هم به شکلی است که برای طی مراحل تحصیلی صرف مطالعه و پاسخ به سوالات به صورت تئوری و بدون تطبیق با مصاديق عملی کفایت می‌کند. به این ترتیب معمولًاً چون امکان انجام کار عملی حین تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان این رشته وجود ندارد فارغ‌التحصیلان وقتی مشغول به کار می‌شوند با کمبود آگاهی و اطلاعات از رویه قضائی و شیوه استدلال و استنباط عملی دادگاهها مواجه هستند؛ لیکن اهمیت آگاهی از رویه قضائی با اشتغال به کار و فعالیت بر هیچ فارغ‌التحصیل حقوقی پوشیده نیست. بی‌تردید تنها منبع آموزش عملی وکالت، قضاویت و به‌طورکلی رشته حقوق، قبل از حضور عملی در دادگاهها و جلسات رسیدگی، رویه‌های قضائی می‌باشد؛ به عبارت دیگر، مطالعه تصمیمات، پرسش و پاسخ‌ها و اختلاف‌نظرهای کسانی که هر روز به صورت عملی در حال انطباق قوانین با مصاديق واقعی هستند می‌تواند اطلاعات کاربردی و عملی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

اگرچه فارغ‌التحصیلان حقوق بیش از سایرین به مطالعه رویه قضائی نیازمند هستند؛ اما هیچ قشری از جامعه بزرگ رشته حقوق قضائی بی‌نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این حوزه علمی نمی‌باشد؛ زیرا رویه قضائی در واقع محرك رشته حقوق است که دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و غفلت از این حوزه موجب عقب‌ماندگی از علم واقعی حقوق و جامعه حقوق‌دانان خواهد شد. از این رو ناشران تخصصی این حوزه، هر کدام به طریقی نسبت به جمع‌آوری و انسجام‌بخشی به مطالب و موضوعات راجع به رویه قضائی

اقدام می‌کنند که انتشارات چراغ دانش نیز در همین راستا و برای انجام بخشی از وظایف فرهنگی خود در نظر دارد نسبت به تدوین و جمع‌بندی مطالب رویه قضائی به صورت منظم و منحصر به فرد با ویژگی‌های مخصوص برای هر دعوا طی یک کتاب جداگانه به صورت کاربردی و با دسترسی آسان به مطالب هر دعوا اقدام نماید؛ لذا در راستای تأمین این هدف، مجموعه‌ای از کتاب‌ها تحت عنوان کلی «دعاوی در قالب پرسش و پاسخ‌ها» که شامل موارد زیر است تدوین و تألیف خواهد شد:

۱. نشست‌های قضائی؛

۲. نظریه‌های مشورتی؛

۳. قوانین و مقررات مرتبط با موضوع؛

«گروه پژوهشی» انتشارات مفتخر خواهد شد از تجربیات، آراء و سایر مطالب حقوقی موجود نزد اساتید، وکلا، حقوق‌دانان و سایر همکاران در راستای مفیدتر شدن مجموعه در چاپ‌های بعدی استفاده نماید. لذا موجب خرسندی خواهد بود که خوانندگان عزیز از هر صنف ضمن ارسال انتقادات و پیشنهادات خود در مورد هر کدام از موضوعات به صورت (کتبی یا از طریق ایمیل یا تلفنی) ما را در پربار کردن مجموعه حاضر یاری فرمایند.

مدیر مسئول انتشارات

فصل اول

پرسش و پاسخ های اثبات نسب



## مبحث اول: نشستهای قضائی در قالب پرسش و پاسخ

### ۱. اثبات نسب به وسیله شهادت شهود و یا اقرار

پرسش: اگر به علت مغایرت اسامی مندرج در شناسنامه‌ها در پرونده حصر و راثت احراز نشود و در عین حال معارضی نباشد، آیا می‌توان با اقرار یا شهادت شهود عدم مغایرت اسامی و در نتیجه نسبت را اثبات نمود یا آنکه در هر حال مورد از مصاديق اثبات نسب و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است.<sup>۱</sup>

#### نظر اول که با اکثریت آرا اعلام شد

اختلاف در نسبت و به تبع آن صلاحیت دادگاه مدنی خاص وقتی محقق است که معارضی باشد؛ بنابراین صرف مغایرت در اسناد سجلی با فقدان اختلاف و مادام که از طرف اشخاص ذی نفع و ورثه اعتراضی نشود مانع رسیدگی دادگاه حقوقی دو به تقاضای حصر و راثت نیست و اصولاً دادگاه در هر مورد برای صدور گواهی حصر و راثت در واقع احراز نسب هم می‌کند و اثبات نسب منحصر به مندرجات اسناد سجلی نیست بلکه دادگاه می‌تواند از طریق دیگر مانند شهادت شهود و یا اقرار این معنی را احراز نماید.

#### نظر دوم

مطابق بند ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص رسیدگی به دعاوی راجع به نسب در صلاحیت دادگاه مدنی خاص است و مورد بحث از

۱. یوسف نوبخت، *اندیشه‌های قضائی*، تهران، تولید کتاب (تک)، ۱۳۸۵، صص ۸۴-۸۳

مصاديق اختلاف در نسب است، علی‌هذا نسبت به موضوع باید دادگاه حقوقی دو به اعتبار شایستگی دادگاه مدنی خاص قرار عدم صلاحیت صادر کند.

### نظر سوم

در مانحن فیه هرچند با عدم معارض، اختلاف در نسبت و ترافع و دعوى راجع به مصدق ندارد و لزومى به صدور قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه مدنی خاص نیست؛ لیکن به علت مغایرت اسامی در اسناد رسمی دادگاه حقوقی دو نمی‌تواند رسیدگی به صدور گواهی حصر وراثت مبادرت نماید و اگر اشخاص ذی نفع نسبت به تصحیح مندرجات اسناد سجلی در مرجع صلاحیت‌دار اقدام و پرونده حصر وراثت را از این حیث تکمیل نکند تقاضای صدور گواهی انحصار وراثت باید توسط دادگاه حقوقی دو رد شود.

## ۲. مرجع تجدیدنظر آرای صادره مربوط به اصل نکاح، طلاق، نسب و حجر

**پرسش:** مرجع تجدیدنظرخواهی از آرای بدوى در خصوص احکام مربوط به اصل نکاح، طلاق، نسب، حجر و وقف که قبلًاً دیوان عالی کشور بوده، اکنون با توجه به قانون آیین دادرسی مدنی جدید کدام مرجع است؟<sup>۱</sup>

### اتفاق نظر

وفق بند (ب) ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، احکام راجع به دعاوى غیرمالی، قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه‌های تجدیدنظر استان می‌باشند و از طرفی قانون گذار هم در

۱. نشست قضائی دادگستری استان مازندران، آبان ۱۳۷۹.

خصوص دعاوی مربوطه به اصل طلاق، نکاح و ... دقیقاً مرجع تجدیدنظرخواهی را بیان نکرده، لکن چون دعاوی مذکور از جمله دعاوی غیرمالی می‌باشند، مستفاد از مواد ۳۳۱ و ۳۶۷ قانون مذکور، مرجع تجدیدنظرخواهی از آن احکام، دادگاه‌های تجدیدنظر استان است و آرای موصوف قابل فرجام خواهی (وفق ماده ۳۶۸) در دیوان عالی کشور هستند.

#### نظر کمیسیون نشست قضائی (۴)

نظر به اینکه طبق بند (ب) ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی کلیه دعاوی غیرمالی قابل تجدیدنظر هستند و دعاوی مورد سؤال نیز در ردیف این دعاوی است، مرجع رسیدگی آن، دادگاه‌های تجدیدنظر استان می‌باشد که متعاقباً در حدود ماده ۳۶۸ قانون مذبور قابل فرجام هستند.

### ۳. عدم امکان وکالت کارآموzan وکالت در دعوای اثبات نسب

**پرسش:** تبصره ۳ ماده ۴ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مقرر داشته کارآموzan وکالت قبل از اخذ پروانه، حق وکالت در دعاوی که مرجع تجدیدنظر از احکام آن‌ها دیوان عالی کشور است، ندارند. با توجه به ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی آیا کارآموzan وکالت می‌توانند دعواوی بیش از بیست میلیون ریال و دعواوی راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت را وکالت کنند؟<sup>۱</sup>

۱. نشست قضائی دادگستری قم، اردیبهشت ۱۳۸۴.

### **اتفاق نظر**

در مورد احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف چون ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی، آرای دادگاههای تجدیدنظر استان را در این قبیل موارد، قابل فرجام خواهی قرار داده است کارآموز وکالت حق دخالت ندارد و اما در سایر دعاوی حقوقی که فرجام خواهی از آنها از طریق فوق العاده امکان پذیر است منعی برای وکالت کارآموزان وجود ندارد. به هر حال در کلیه موارد دعاوی حقوقی و جزایی که به طریق عادی، فرجام خواهی آنها در دیوان قابل رسیدگی است کارآموزان وکالت نمی توانند وکالت در آنها را به عهده بگیرند و اما در مواردی که فرجام خواهی به طریق فوق العاده پیش بینی شده کارآموزان وکالت می توانند وکالت در آنها را بپذیرند.

### **نظر کمیسیون نشست قضائی (قم)**

اتفاق نظر مورد تأیید است.

### **۴. تقدیم دادخواست نفی نسب از سوی ورثه**

پرسش: بین وصی و شخصی که مدعی است تنها ورثه متوفی می باشد دعاوی کیفری طرح و وصی منکر انتساب نسب مدعی توارث به موصی شد آیا امکان تقدیم دادخواست برای نفی نسب برای وصی وجود دارد؟<sup>۱</sup>

### **نظر اکثریت**

وصی حق دارد با تقدیم دادخواست نفی نسب مدعی توارث را نفی کند زیرا:

۱. نشست قضائی دادگستری بابلسر، آبان ۱۳۸۱.

حسب قواعد حاكم بر آيین دادرسی مدنی از جمله ماده ۲ قانون آيین دادرسی مدنی اشخاص ذی نفع یا نمایندگی آنها می توانند در دادگاهها مبادرت به طرح دعوا کنند و به موجب ماده ۵۲ قانون مرقوم یکی از اشخاصی که به عنوان نماینده امکان طرح دعوا برای وی فراهم است، شخص وصی است و مواد ۲ و ۵۹ همین قانون از نماینده قانونی قیم و وکیل نام می برد که منظور وصی نیز می باشد.

به موجب ماده ۳۰ قانون امور حسبي وصی حق درخواست تقسیم تركه را دارد و بدیهی است که در صورت طرح دعوا می تواند به ادعای شخصی که مدعی ورثه بودن شده پاسخ دهد و نسبت وی را نفی کند زیرا اذن در شیء، اذن در لوازم آن نیز هست و ماده ۲۶۱ همین قانون در تصفیه تركه همین مطلب را مقرر می دارد، چنان استنباط می شود که در بعضی موارد وصی می تواند در صورت تردید در نسب ورثه لزوم آن را انکار و اثبات کند. خصوصاً در صورتی که عليه وصی دعوا مطرح شود که وصی منکر ذی نفع بودن مدعی طرح دعوا به لحاظ وجود رابطه نسبی باشد.

#### **نظر اقلیت**

وصی حق نفی نسب اولاد را ندارد؛ زیرا در مواد ۵۹ و بند (۵) ماده ۸۴ قانون آيین دادرسی مدنی از وصی به عنوان نمایندگان اشخاص نامی برده نشده است به علاوه انکار نسب یک شخص در واقع نفی ولد می باشد که باید از سوی والدین به عمل آید نه از سوی اشخاص ثالث که در این خصوص نفع و ضرری عایدشان نمی شود و مقررات مواد ۱۱۵۸ به بعد قانون مدنی نیز مؤید همین امر است.

### **نظر کمیسیون نشست قضائی (۱)**

شخصی که مدعی است وارث منحصر به فرد متوفاست برای استیفای ماترک باید وفق مقررات قانون امور حسی درخواست صدور گواهی انحصار وراثت از دادگاه کند و درصورتی که متوفی وصیت کرده و وصی معین نموده باشد با توجه به مواد ۸۵۸ و ۶۲۲ و ۶۱۹ قانون مدنی از آنجا که وی نسبت به اموالی که برحسب وصیت در ید او باشد حکم امین را دارد و امین باید اموال را به اهلهش (در مورد مطروحه وارث متوفی) برساند، درصورتی که وصی منکر وراثت مدعی وراثت باشد می‌تواند به درخواست او در زمینه تحصیل گواهی حصر وراثت اعتراض کند که از ملاک ماده ۳۶۹ قانون امور حسی این مطلب استفاده می‌شود. موضوع نفی نسب که در سؤال مطروحه عنوان گردیده راجع به انکار نسب است که در این مورد فقط پدر و مادر ادعایی مدعی نسب می‌توانند به عنوان نفی ولد اقامه دعوا کنند و الا همین قدر که موصی به درخواست تصدیق انحصار وراثت مطروحه از جانب مدعی وراثت اعتراض کند و دلایل اعتراض خود را هم ارائه نماید به تکلیف قانونی خود عمل کرده است.

**۵. اثبات نسب با توصل بر اسناد رسمي**

**پرسش:** زوجه دادخواستی به خواسته الزام زوج به تنظیم سند رسمي نکاح منقطع تقدیم دادگاه کرده است. دادگاه در قبال این دعوا چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد؟<sup>۱</sup>

**نظر اکثریت**

با توجه به اینکه نکاح منقطع نیز همانند نکاح دائم می‌تواند دارای آثار حقوقی همانند نسب باشد که اثبات آن با سند رسمي سهل‌تر است و با عنایت به این که مطابق قانون ثبت احوال به ویژه مواد ۱ و ۳۳ آن وقایع حیاتی ازدواج، طلاق، بذل مدت و ... الزامی است و قانون ثبت احوال بدون تفکیک نکاح دائم از منقطع و به صورت مطلق ثبت نکاح را الزامی دانسته است، به جهت الزام قانونی موصوف، دعوای خواهان قابل استماع بوده و می‌توان حکم بر الزام زوج به تنظیم سند رسمي نکاح صادر کرد.

**نظر اقلیت**

الزام خوانده به تنظیم سند رسمي در صورتی صحیح است که از شروط ضمن عقد یا از لوازم قانونی و یا لوازم عرفی عقد باشد؛ بنابراین، در صورتی که ثبت نکاح منقطع بین طرفین شرط شده باشد طبق «المؤمنون عند شروطهم» می‌توان زوج را به تنظیم سند رسمي نکاح محکوم کرد؛ اما در صورت فقدان چنین شرطی بین طرفین با توجه به اینکه شورای طی نظر مورخ ۱۳۶۲/۵/۱ مقررات مربوط به لزوم ثبت ازدواج را غیرشرعی اعلام کرده و بعد از آن نیز مقتن در ماد ۶۴۵ قانون

۱. نشست قضائی دادگستری تبریز، خرداد ۱۳۸۴.

مجازات اسلامی فقط عدم ثبت نکاح دائم را جرم دانسته است، دعوا باید مردود اعلام شود.

#### **نظر کمیسیون نشست قضائی (۱) مدنی**

هرچند ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی، ثبت واقعه ازدواج دائم و طلاق و رجوع را طبق مقررات الزامی تشخیص و عدم ثبت آن وقایع را مستوجب عقوبت کیفری دانسته است و هرچند مقررات مواد ۱ و ۳۳ اصلاحی قانون ثبت احوال مقرر داشته که کلیه وقایع ازدواج و طلاق یا بدل مدت در شناسنامه مرد یا زن انعکاس خواهد یافت که این تکلیف از وظایف اداره ثبت احوال است، از آنجایی که پس از ازدواج موقت، آثاری از حیث نسب و وراثت اولاد حاصل از نکاح مذکور مترتب است که چنانچه این ازدواج مستند به سند رسمی غیرقابل انکار باشد، ثبت وقایع و اثبات آن در مراجع قانونی و آثار و تبعات آن به سهولت امکان پذیر خواهد بود، لذا چنانچه زوجه منقطعه، دعوای الزام به ثبت و تنظیم سند رسمی نکاح موقت را در دادگاه، طرح کند، استماع دعوای زوجه و صدور رأی مقتضی با موازین قانونی مغایرتی نخواهد داشت، در نتیجه نظر اکثریت قضات دادگستری تبریز در جلسه تأیید می شود.

## ۶. تکلیف پدر به پرداخت نفقة ولدالزنايی که حکم اثبات نسب وی صادر شده

**پرسش:** ولدالزنايی که سابقاً حکم به اثبات نسب وی از سوی دادگاه صادر شده به عنوان ترک اتفاق علیه پدرش طرح دعوا می کند. آیا پدر مکلف به پرداخت نفقة است؟<sup>۱</sup>

### اتفاق نظر

اصولاً طفل متولد از زنا حق نفقة بر اقارب را ندارد؛ چرا که از آثار نسب قانونی می باشد و مطابق ماده ۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی شود؛ بنابراین، ولدالزنا حق مطالبه نفقة از پدر را ندارد اما می توان چنین گفت که اتفاق به کسی که محتاج می باشد از واجبات کفایی است و وجود اجتماعی بر ممکنین لازم می دارد که از او نگهداری کرده و به او اتفاق کنیم و پدر و مادر طبیعی طفل که سبب ایجاد وی بوده اند از دیگران نسبت به آن طفل اولی می باشند. گذشته از آن شایسته است که پدر و مادر را از باب سبب ملزم به اتفاق به طفل بدانیم. نظریه شماره ۷۳/۶/۷-۷/۳۸۴۷ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید نظر فوق است که چنین بیان داشته: «هرچند در قانون مدنی ایران نسبت به حضانت اطفال نامشروع حکمی مقرر نشده است؛ لکن با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی و عرف و عادت مسلم و روح قانون مدنی (باب دوم از کتاب هشتم از جلد دوم) و فتوای صریح حضرت امام (ره) در مورد الزام به اتفاق، ملاک اتفاق، ولادت طبیعی طفل است؛ یعنی نتیجه انتساب طبیعی طفل بر پدر و مادر (چه

۱. نشست قضائی دادگستری آمل، مرداد ۱۳۸۰.

شرعی و یا غیرشرعی) ملاک انفاق خواهد بود. مراد از زانی در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی هم مرد یا زن زناکار می‌باشد؛ بنابراین، پدر و جد پدری به ترتیب و بعد مادر طبیعی طفل مکلف به انفاق هستند و ترک آن قابل تعقیب و مجازات است.

#### **نظر کمیسیون نشست قضائی**

ضمن این‌که به هر تقدیر پدر مکلف به پرداخت نفقة اولاد است، به نظر می‌رسد با وجود صدور حکم به اثبات نسب، تردیدی در وجود تکلیف پدر، پرداخت نفقة وجود نداشته باشد.

#### **۷. صدور گواهی حصر وراثت جدید بعد از اعلام وراث واقعی متوفی**

پرسش: بعد از فوت فردی، دختر اول که فرزندخوانده وی می‌باشد مبادرت به اخذ گواهی انحصار وراثت می‌کند. متعاقباً درخواست تقسیم سهم الارث می‌نماید. آیا دختر دوم وی که فرزند اصلی است باید تقاضای اصلاح گواهی انحصار وراثت نماید یا این‌که همسر متوفی یا دختر دوم که فرزند اصلی است تقاضای نفی ولد نماید؟<sup>۱</sup>

#### **اتفاق نظر**

فرزند واقعی متوفی می‌تواند به گواهی انحصار وراثت صادره اعتراض کند. این دعوا باید به طرفیت فرزندخوانده و سایر ورثه اقامه شود و خواهان ضمن اعتراض به گواهی حصر وراثت دعوای نفی نسب مطرح نماید. همسر متوفی نیز می‌تواند به گواهی حصر وراثت اعتراض و نفی نسبت و نفی ولادت فرزندخوانده را از بطن خود مطرح نماید. دادگاه ذیصلاح

۱. نشست قضائی دادگستری کلاله، مرداد ۱۳۸۳.

پس از احراز عدم انتساب فرزندخوانده به متوفی و صدور حکم به رد نسب، گواهی انحصار وراثت سابق الصدور را الغا و حکم به وراثت فرزند واقعی و عیال دائمی متوفی صادر خواهد کرد.

#### **نظر کمیسیون نشست قضائی (۴) مدنی**

از این سؤال مستفاد می شود که بر حسب اعلام متوفی برای متقاضی گواهی حصر وراثت (فرزندخوانده متوفی) شناسنامه صادر شده و فرزندخوانده به استناد شناسنامه مذکور مبادرت به اخذ گواهی حصر وراثت کرده است.

اکنون که فرزند اصلی متوفی یا مادر وی از این جریان مطلع شده‌اند باید ضمن اعتراض به گواهی انحصار وراثت دعوایی علیه دخترخوانده متوفی به خواسته نفی نسب مطرح و دلایل خود را به دادگاه اعلام نمایند. در صورت اثبات این ادعا موجبات ابطال گواهی حصر وراثت سابق و صدور گواهی واقعی با اعلام وراثت واقعی متوفی فراهم می شود. بدیهی است به موجب ماده ۹ قانون اصلاحی انحصار وراثت در صورت اثبات فقدان نسبت متقاضی انحصار وراثت و به واسطه اخذ گواهی خلاف واقع در حکم کلاهبرداری بوده و مستوجب مجازات است.